



# اماکن و آثار

از جمله بقعه‌ها و گنبد و بارگاه‌ها که در داخل بقیع به وسیلهٔ وهابیان منهدم گردیده است، ساختمان بقعه و حرم متعلق به جناب ابراهیم فرزند رسول خدا - ص - می‌باشد. و از این جهت که پیکر جناب ابراهیم در کنار قبر عثمان بن مظعون صحابهٔ جلیل القدر رسول خدا - ص - به خاک سپرده شده و هر دو قبر در کنار هم قرار گرفته‌اند. این بقعه همانگونه که به بقعهٔ جناب ابراهیم مشهور شده است، گاهی به عثمان بن مظعون هم نسبت داده می‌شود.

### چگونگی حرم و ضریح جناب ابراهیم

وضعیت حرم جناب ابراهیم در کتب تاریخ و مدینه‌شناسی، از اوایل قرن هفتم مطرح و در مقاطع مختلف از آن سخن گفته شده است ولی قبل از تاریخ یاد شده، آیا این بقعه به چه شکل بوده و اصلاً دارای ساختمان بوده است یا نه، در این مورد مطلبی بدست نیامده است ولی آنچه مسلم است و با اهمیتی که رسول خدا - ص - به هنگام دفن این دو بزرگوار، برای حفظ و بقای قبر آنان قائل بوده است، این دو قبر در میان مسلمانان در طول تاریخ مشخص و دارای احترام و از قبوری بوده که مسلمانان زیارت این دو قبر را همانند قبور سایر شخصیت‌های مذهبی از اعمال مستحب و جزء وظائف مهم می‌دانستند و طبعاً در حفظ اصل قبرها و در ایجاد سقف و سایه‌بان در روی آنها تلاش می‌نمودند.



## حرم جناب ابراهیم فرزند رسول خدا

محمد صادق نجمی

ابن جبیر (متوفای ۶۱۴) در مورد این بقعه می‌گوید: «وَأَمَامَهُ قَبْرُ السَّلَالَةِ الطَّاهِرَةِ اِبْرَاهِيمَ بْنِ النَّبِيِّ - ص - وَعَلِيهِ قَبَّةٌ بِيضَاءُ»<sup>۱</sup> در مقابل قبر مالک بن انس قبر سلالة رسول خدا است و در روی این قبر گنبدی است سفید رنگ. مشابه همین جمله را ابن بطوطه جهانگرد دیگر (۷۵۶) ذکر نموده است.<sup>۲</sup>

ابن جبیر در مورد ضریح جناب ابراهیم پس از آن که زیبایی و استحکام ضریح ائمه بقیع را با این بیان توصیف می‌کند که: اصل این ضریح از چوب اما بدیعترین و زیباترین نمونه‌ای است از نظر فن و ظرافت و نقاشی. برجسته از جنس مس بر آن ترسیم و میخکوبی‌هایی به جالبترین شکل در آن تعبیه شده که نمای آن را هرچه زیباتر و جالبتر نموده است. می‌گوید: «وَعَلَى هَذَا الشَّكْلِ قَبْرُ اِبْرَاهِيمَ ابْنِ النَّبِيِّ».<sup>۳</sup>

«قبر ابراهیم فرزند پیامبر نیز به همین شکل است.»

پس از ابن جبیر، ابن نجار مدینه شناس (متوفای ۶۴۳) نیز از بقعه و ضریح جناب ابراهیم یاد نموده و چنین می‌گوید:

«وَقَبْرُ اِبْرَاهِيمَ بْنِ النَّبِيِّ وَعَلَيْهِ قَبَّةٌ وَمَلْبِنٌ سَاجٌ».<sup>۴</sup>

«قبر ابراهیم فرزند پیامبر دارای گنبد و ضریحی از چوب ساج می‌باشد.»

محمد بن احمد مطری (متوفای ۷۴۱ هـ) در کیفیت ساختمان این بقعه می‌گوید: «وَعَلَيْهِ قَبَّةٌ فِيهَا شَبَاكٌ مِنْ جِهَةِ الْقَبْلَةِ وَهُوَ مَدْفُونٌ عِنْدَ جَنْبِ عَثْمَانَ بْنِ مِظْعُونٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ».<sup>۵</sup>  
«در روی بقعه ابراهیم گنبدی است و در دیوار سمت جنوبی این بقعه، شبکه‌هایی وجود دارد و او در کنار قبر عثمان بن مظعون دفن شده است.»

از گفتار سمهودی (متوفای ۹۱۱) معلوم می‌شود که این بقعه و ضریح در زمان وی نیز به همان شکلی بوده که مطری و دیگر مدینه شناسان قبل از وی یاد نموده‌اند؛ زیرا او می‌گوید:  
«وَقَبْرُهُ عَلَى نَعْتِ قَبْرِ الْحَسَنِ وَالْعَبَّاسِ وَهُوَ مَلْصُوقٌ إِلَى جِدَارِ الْمَشْهَدِ الْقِبْلِيِّ وَفِي هَذَا الْجِدَارِ شَبَاكٌ».<sup>۶</sup>

(ضریح) ابراهیم همانند (ضریح) حسن - ع - و عباس است و این ضریح چسبیده به دیوار جنوبی حرم و در این دیوار شبکه‌هایی وجود دارد.

سید اسماعیل مرندی که در سال ۱۲۵۵ هجری مدینه را زیارت نموده و در کتاب خود از این بقعه چنین یاد می‌کند و دیگر قبه حضرت ابراهیم پسر حضرت رسول خدا است که یک ضریح دارد.<sup>۷</sup>  
نایب الصدر شیرازی هم که در سال ۱۳۰۵ هـ. سفر حج نموده است، در شمار بقعه‌های

موجود در بقیع می‌گوید: و بقعه ابراهیم بن النبی - ص - بر سر در آن چند شعر ترکی است و یک مصرع آن که فارسی است نقل می‌شود: «شهبازده سلطان رسل ابراهیم».<sup>۸</sup>

ابراهیم رفعت پاشا که برای آخرین بار در سال ۱۳۲۵ و تقریباً بیست سال قبل از تخریب آثار مذهبی در حجاز، بقیع را زیارت نموده، از این بقعه چنین نام می‌برد: «گنبد و بارگاه عباس و حسین بن علی - علیه السلام - از همه گنبد و بارگاههای موجود در بقیع؛ مانند گنبد ابراهیم و... بزرگتر و مرتفع‌تر است.»<sup>۹</sup>

خلاصه: آنچه از گفتار این مورخان و نویسندگان از قرن هفتم تا قرن چهاردهم هجری بدست آمد، این است که قبر شریف جناب ابراهیم سلاله پاک رسول خدا - ص - و جناب عثمان بن مظعون یکی از باوفاترین صحابه‌ها و یاران آن حضرت؛ همانند سایر قبور اقوام پیامبر اسلام - ص - در بقیع دارای بقعه و گنبد و بارگاه بوده است و قبر جناب ابراهیم که دارای زیباترین ضریح همانند ضریح ائمه بقیع - علیهم السلام - و در سمت جنوبی این بقعه و متصل به دیوار قرار گرفته و در این سمت از دیوار شبکه‌هایی نیز تعبیه شده بود که ارتباط زائرین با داخل حرم بوسیله این شبکه حفظ می‌گردید.

و بالاخره توجه زائرین و حجاج که در طول تاریخ از نقاط مختلف جهان به مدینه منوره مشرف می‌شدند، به این بقعه شریف و قبر مبارک منعطف می‌گشت و اگر در اثر کثرت و ازدحام زائرین، امکان وارد شدن به داخل این حرم وجود نداشت، طبعاً از بیرون حرم و از مقابل شبکه، قبر فرزند رسول خدا را زیارت و در این محل به دعا و راز و نیاز با خداوند متعال می‌پرداختند.

و اینک در مورد این حرم شریف تذکر دو موضوع ضروری به نظر می‌رسد: یکی معرفی سایر مدفونین در این محل و دومی بیان تاریخ بنای این بقعه و بارگاه.

### سایر مدفونین در بقعه ابراهیم

بطوری که در گفتار بعضی از مورخان و مدینه‌شناسان ملاحظه فرمودید و در آینده نیز به آن خواهیم رسید، قبر جناب ابراهیم در کنار قبر عثمان بن مظعون و هر دو زیر یک گنبد قرار داشتند. ولی بعضی از مورخان علاوه بر قبر عثمان بن مظعون وجود قبر تعدادی دیگر از صحابه را نیز در این بقعه گزارش کرده‌اند؛ از جمله قبر عبدالرحمان بن عوف.

ابن نجار در ضمن روایتی می‌گوید: «عایشه در آخرین روزهای زندگی عبدالرحمان بن عوف، بر وی پیام داد که در صورت تمایل می‌تواند وصیت کند در داخل حرم پیامبر دفن شود، ابن عوف در

پاسخ این پیام گفت: «گذشته از این که نمی‌خواهم خانهٔ رسول خدا و محل زندگی عایشه را بوسیلهٔ دفن شدن، در مضیقه قرار دهم من با عثمان بن مظعون پیمانی دارم که هر یک از ما جلوتر از دنیا رود، دومی هم در جوار او به خاک سپرده شود. این نجار پس از نقل این روایت می‌گوید: «بنابر این، قبر ابن عوف هم مانند ابن مظعون در کنار قبر ابراهیم در داخل بقعهٔ او قرار دارد».<sup>۱۰</sup>

### قبر اسعد بن زراره

عباسی از علمای قرن یازدهم پس از اشاره به بقعهٔ جناب ابراهیم و عثمان بن مظعون می‌گوید: «و نقل می‌کنند در این بقعه غیر از قبر این دو شخصیت، قبر چند تن دیگر از صحابه واقع شده است. یکی از آنها اسعد بن زراره و دیگری سعد بن ابی‌وقاص که در عقیق بدرود حیات گفت و جنازه‌اش به مدینه منتقل و در این محل بخاک سپرده شد و همچنین قبر عبدالرحمن بن عوف و عبدالله بن مسعود و خنیس بن حذافهٔ سهمی در داخل حرم جناب ابراهیم واقع گردیده است».<sup>۱۱</sup> علی حافظ<sup>۱۲</sup> از مؤلفان قرن اخیر پس از ذکر افراد پنجگانهٔ یاد شده، می‌گوید: «و بنابر تأیید بعضی از مورخان، قبر فاطمهٔ بنت اسد نیز در این محل و در داخل حرم ابراهیم واقع شده است».<sup>۱۳</sup> سمهودی مدینه‌شناس معروف که یک قرن قبل از عباسی می‌زیسته است می‌گوید: «در طرف شمال قبر جناب ابراهیم و در داخل حرم او، شکل دو قبر جدید به چشم می‌خورد که نه ابن نجار و نه هیچیک از مدینه‌شناسان بعد از وی از این دو قبر یاد ننموده‌اند».

سمهودی اضافه می‌کند: «همانگونه که قبلاً اشاره نمودیم، مورخان می‌گویند: قبر ابراهیم در کنار قبر عثمان بن مظعون قرار گرفته و عبدالرحمان بن عوف هم طبق وصیت خود در این مکان بخاک سپرده شده است و لذا مناسب است این دو صحابه نیز مانند ابراهیم در این محل زیارت شوند».<sup>۱۴</sup>

از گفتار سمهودی ظاهر می‌شود که به عقیدهٔ وی، بجز ابن مظعون و ابن عوف، از صحابه کسی در داخل بقعهٔ ابراهیم دفن نشده است و چند تن از صحابه که بعضی از مورخان از آنها یاد نموده‌اند، که در مجاورت ابراهیم و در داخل بقعه او بخاک سپرده شده‌اند، قبر آنان در مجاورت او ولی در خارج بقعه، و نه در داخل آن، قرار دارد».

### و اما تاریخ بنای این بقعه و ضریح

همانگونه که قبلاً آوردیم، ساختمان حرم و ضریح جناب ابراهیم از اوایل قرن هفتم و به وسیله ابن جبیر مطرح شده است و او هم از وضع موجود این حرم و ضریح و از آنچه خود شاهد آن بوده یاد نموده است اما آیا همان بقعه و ضریح در چه تاریخ و به وسیله چه کسی ساخته شده و همچنین این حرم قبل از این بنا و در طول قرنهای اول به چه شکل بوده، در گفتار نویسندگان و مورخان در این مورد مطلب صریحی وجود ندارد و لیکن از شواهد و قرائن موجود در گفتار آنان و تصریح بعضی از بزرگان شیعه می توان در مورد تاریخ تقریبی و نسبت به بانی این بقعه و ضریح اظهار نظر نمود. مرحوم علامه قاضی نورالله شوشتری پس از آنکه مجد الملک را بانی ساختمان حرم ائمه بقیع معرفی می کند، می گوید: «و چهار طاق عثمان بن مظعون را که اهل سنت چنین پندارند، که مقام عثمان بن عفان است، او بنا کرده است و مشهد امام موسای کاظم و امام محمد تقی در مقابر قریش در بغداد را هم او بنا نموده است و مشهد سید عبدالعظیم حسنی در ری و غیر آن از مشاهیر سادات علوی و اشرف فاطمی - علیهم السلام - از آثار او است».<sup>۱۵</sup>

### و اما در مورد ضریح جناب ابراهیم

بطوری که ملاحظه فرمودید، ابن جبیر جهانگرد معروف و سمهودی مدینه شناس مشهور، در ضمن توصیف از ضریح ائمه بقیع و معرفی ضریح ابراهیم به مشابَهت و هم قرین بودن آن دو، تکیه و تأکید نموده اند و این گفتار و تشبیه، که نشانگر شباهت تام از نظر فنی و مواد اولیه و استحکام و ظرافت و نقوش و خطوط موجود در این دو ضریح است طبعاً گویای این حقیقت هم می باشد که آنها در یک زمان و در زیر نظر یک صنعتکار و به دست یک استاد کار ساخته شده اند.

بطور خلاصه در ارتباط با ساختمان حرم و ضریح جناب ابراهیم سه موضوع قابل توجه است:

۱ - ایجاد گنبد و بارگاه و ساخته شدن ضریح ائمه بقیع به وسیله مجد الملک بوده که در محل

خود توضیح داده شد.

۲ - قاضی نورالله شوشتری تصریح می کند که حرم جناب ابراهیم نیز به وسیله مجد الملک

ساخته شده است.

۳ - و بالأخره شباهتهایی که در میان دو ضریح وجود داشته است.

و از مجموع این سه مطلب می توان چنین نتیجه گیری نمود که بانی ضریح جناب ابراهیم،

مانند حرم او و مانند حرم و ضریح ائمه بقیع، مجد الملک براوستانی است که در اواخر قرن پنجم

هجری ساخته شده است.

### سنت رسول الله - ص - در تدفین ابن مظعون و ابراهیم - ع -

این بود آنچه در مورد تاریخ بقعه و بارگاه و قبر جناب ابراهیم و عثمان بن مظعون بدست ما رسیده است و در اختیار خوانندگان ارجمند قرار دادیم.

ولی در مورد این دو شخصیت، موضوع مهم و نکته حساس و جالبتر، از جنبه تاریخ، توجه به سنت رسول خدا و توجه به روش آن حضرت در کیفیت تشییع و تدفین آنها و فراگرفتن احکام اسلامی در اجرای سنت عملی آن بزرگوار در مورد تدفین و مراسم پس از آن، نسبت به همه مسلمانان مخصوصاً آنان که از قداست و معنویت بیشتری برخوردارند و با رسول خدا پیوند خانوادگی و یا افتخار صحابگی آن حضرت را دارند و همچنین کسانی که دارای خدمات ارزنده به اسلام و قرآن می‌باشند. زیرا مسلم است که مراسم تشییع و تدفین ابن مظعون و ابراهیم بدستور مستقیم و به مباشرت شخص رسول خدا انجام گرفته و در حقیقت آن حضرت این بخش از دستورات آیین خویش را عملاً بعنوان درس و برنامه همگانی در این دو مراسم تعلیم فرموده است و تمام مسلمانان موظفند این درس را همانند سایر برنامه‌های دینی فراگیرند و از سنت رسول خدا - ص - پیروی و دستور او را اجرا و عملی سازند که «ما اتاكم الرسول فخذوه و مانهاكم عنه فاتتهوا».

بیان این برنامه عملی و توضیح این سنت جاودانی ایجاب می‌کند که مروری داشته باشیم به بیوگرافی ابن مظعون و جناب ابراهیم و نگاهی بر مراسم تشییع و تدفین پیکر پاک این دو شخصیت بزرگوار؛ آنچنان که در منابع حدیثی و تاریخی نقل گردیده است.

### عثمان بن مظعون در مکه

صحابه بزرگ؛ عثمان بن مظعون، کنیه‌اش ابوسائب از سابقین در اسلام و چهاردهمین فرد است که در مکه به ندای توحید پیامبر - ص - لبیک گفته و اسلام را پذیرفته است و یکی از مسلمانان مجاهد و مبارز و از کسانی بوده است که دفاع از حریم اسلام و فداکاری در حمایت از شخص رسول خدا - ص - را در رأس وظایف و برنامه‌های زندگی خویش قرار داده است.

بنا به گفته بعضی از مورخان، وی افتخار اخوت و برادری رضاعی با رسول خدا - ص - را هم داشته است و او از آن عده از مسلمانها است که (هاجر الهجرتین) در اثر فشار مشرکین مکه، هم در هجرت به حبشه شرکت نمود و هم جزء مهاجرین به مدینه بود. و طبق گفتار بعضی از مورخان

سرپرستی مهاجرین حبشه از طرف رسول خدا - ص - بر وی محول شده بود.

### ابن مظعون و رد پناهندگی مشرکان

عثمان بن مظعون در مراجعت از حبشه با این که در جوار و پناه ولید بن مغیره یکی از سرشناسان مشرک مکه قرار گرفت و از ایذاء و اذیت مشرکان در امان بود اما برای هماهنگی با سایر مسلمانان و اعلان استقلال و عظمت اسلام و تحقیر شرک و بت پرستی جوار او را مردود اعلان نمود و تمام عواقب و آثار خطرناک آن را جانانه پذیرا گردید و به ولید چنین گفت: «من اینک از جوار تو خارج می‌گردم؛ زیرا دوست دارم همانند پیامبر و مسلمانان دیگر، بجز خدا، در پناه کسی نباشم و از ولید خواست که این موضوع در میان مردم مکه اعلان شود، از این رو به همراه وی وارد مسجد الحرام گردید و در میان سران قریش خارج شدن خویش را از پناه ولید اعلان نمود.<sup>۱۶</sup>

### عثمان بن مظعون در مدینه

ابن مظعون پس از هجرت به مدینه، گذشته از این که یکی از یاران عابد و زاهد رسول خدا - ص - بحساب می‌آمد یکی از چند نفر از صحابه بود که از دیگر یاران آن حضرت نسبت به احکام آشناتر و از این لحاظ در میان سایرین معروفتر بودند.

ابن مظعون در زهد و دوری از لذائذ زندگی، به اینجا رسید که تصمیم گرفت حتی بعضی از مباحات را نیز ترک کند، از این رو از معاشرت با همسرش نیز خودداری ورزید. همسر او شکایت به نزد رسول خدا برد، آن حضرت او را از این عمل منع و به انجام وظایف نسبت به زن و فرزند تشویق فرمود. ابن مظعون جزء کسانی بود که در دوران جاهلی نیز لب به شراب نمی‌زد و شعارش این بود: «شخص عاقل هیچگاه به چیزی که عقل را زایل و موجب تمسخر دیگران می‌گردد نزدیک نمی‌شود».

و او جزء چند تن از صحابه است که تصمیم گرفتند برای مبارزه با گناه و دوری از معصیت، خود را «اخصاء» و غریزه جنسی خود را بطور کلی از بین ببرند و در این مورد نیز با مخالفت رسول خدا مواجه گردیدند و رسول خدا فرمود: «یا ابن مظعون عليك بالصوم فانها مغفرة»؛ «بر تو باد روزه گرفتن که شکننده غریزه جنسی است».

ابن مظعون جزء بدریون از یکصد و سیزده نفر صحابه است که در جنگ بدر شرکت جسته و این افتخار و از خودگذشتگی را بر افتخارات دیگرش افزوده است.



بهرحال، وی معیار و الگوی فضیلت و زهد و تقوا و از خودگذشتگی معرفی شده است و لذا در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «السلام علی عثمان بن امیر المؤمنین سمی عثمان بن مظعون».<sup>۱۷</sup>

### گریه رسول خدا در مرگ عثمان بن مظعون

عثمان بن مظعون در ذی حجه سال دوم هجرت، پس از آن که در جنگ بدر شرکت نمود، بدرود حیات گفت و او اول کسی است از مهاجرین، که در بقیع بخاک سپرده شد.<sup>۱۸</sup> مورخان و شرح حال نویسان از جمله ابن عبدالبر (متوفای ۴۶۳) و ابن اثیر (متوفای ۶۳۰) از ابن عباس نقل نموده‌اند که رسول خدا - ص - به هنگام مرگ عثمان بن مظعون، در بالین وی نشست و صورت او گذاشت، چون سر برداشت اشک در دیدگان آن حضرت حلقه زده بود و دومین بار صورت به صورت او گذاشت چون سر برداشت اشک و اندوه آن حضرت برای همه حاضرین مشهود بود و سومین بار صدای ناله و شیون آن حضرت بلند گردید و حاضرین با دیدن این منظره گریه و شیون سر دادند.<sup>۱۹</sup>

### بوسه رسول خدا بر پیشانی ابن مظعون

در منابع شیعه از امام صادق - ع -<sup>۲۰</sup> و در منابع اهل سنت از عایشه<sup>۲۱</sup> روایت شده است که رسول خدا - ص - پس از تغسیل و تکفین ابن مظعون، در حالی که اشک می‌ریخت بر پیشانی او بوسه زد «فلما غسل و کفن قبله رسول الله بین عینی»<sup>۲۲</sup> در مسند احمد بن حنبل و طبقات گفتار عایشه چنین نقل شده است: «ان رسول الله قبل عثمان بن مظعون و هو میت، قال فرأیت دموع النبی تسیل علی خد عثمان بن مظعون».<sup>۲۳</sup>

و همچنین این نکته از گفتار محدثان و مورخان به وضوح بدست می‌آید که رسول خدا - ص - بهنگام مرگ و دفن پیکر ابن مظعون و بعدها تا آن حضرت زنده بود، با قول و عملش و با گفتار و کردارش بر حفظ اثر قبر و ایقاع نام این صحابه جلیل القدر توصیه و تأکید می‌فرمود و بر سر تربت وی حاضر می‌گردید و یاد او را زنده و برای وی از خداوند متعال اعلائی درجه و نزول رحمت درخواست می‌نمود.

### نمونه‌هایی از گفتار و عمل رسول خدا - ص - در این مورد

پیامبر اسلام - ص - بهنگام مرگ ابن مظعون، چنین فرمود: «ادفنوا عثمان بن مظعون

بالبيع یکن لنا سلفاً فنعم السلف سلفنا عثمان بن مظعون».<sup>۲۴</sup>

و این جمله را بهنگام دفن پیکر او نیز تکرار نمود: «نعم السلف الصالح عثمان بن مظعون».<sup>۲۵</sup>

و بهنگام مرگ فرزند عزیزش ابراهیم فرمود: «الحقوه بسلفنا الصالح عثمان بن مظعون».<sup>۲۶</sup> بکارگیری و تکرار کلمه «سلف صالح» مخصوصاً بهنگام دفن ابراهیم و پس از گذشت هشت سال از وفات ابن مظعون تأکید بر این است که باید یاد ابن مظعون بعنوان یادگاری از گذشتگان صالح و نمونه‌ای از صحابه فداکار رسول خدا زنده و جاوید بماند و نام و خاطره او از خاطره‌ها محو نگردد.

### نصب سنگ بر قبر ابن مظعون

پس از این که پیکر عثمان بن مظعون دفن گردید، رسول خدا - ص - با دست مبارکش قطعه سنگی را بعنوان نشانه و علامت بر قبر وی نصب و با این عمل خویش نیز همانند گفتارش یاد او را زنده و قبر او را برای همیشه مشخص فرمود.

ابن عبدالبر می‌گوید: «و اعلم النبی - ص - قبره بحجر وکان یزوره».<sup>۲۷</sup> رسول خدا قبر عثمان را با قطعه سنگی مشخص فرمود و همیشه این قبر را زیارت می‌نمود. و هم او از عبیدالله بن رافع چنین نقل می‌کند: «فوضع رسول الله حجراً عند رأسه و قال هذا فرطنا».<sup>۲۸</sup> همین جمله را ابن سعد در طبقات هم نقل نموده است.<sup>۲۹</sup>

در دعائم الإسلام از امیرالمؤمنین نقل می‌کند: «ان رسول الله - ص - لما دفن عثمان بن مظعون دعا بحجر فوضعه عند رأس قبره و قال یكون علماً لیدفن الیه قرابتی».<sup>۳۰</sup>

در تاریخ الکامل می‌گوید: «و جعل رسول الله - ص - علی رأس قبره حجراً علامة لقبره».<sup>۳۱</sup> سمهودی در ضمن نقل اصل موضوع و این که رسول خدا - ص - قطعه سنگی را بر روی قبر ابن مظعون نصب نمود به کیفیت این سنگ، به قبر نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «این قطعه سنگ نه قطعه سنگ معمولی بلکه قسمت پایین یک هاون سنگی بود که پس از شکسته شدن و غیر قابل استفاده بودن، رسول خدا - ص - آن را بر قبر عثمان بن مظعون نصب نمود «فجعل رسول الله - ص - اسفل مهراس علامة علی قبره» آنگاه فرمود: «لأجعلنک للمتقین اماماً».<sup>۳۲</sup>

### سرگذشت این سنگ قبر

این بود گفتار رسول خدا - ص - در مورد عثمان بن مظعون و این بود عملکرد آن حضرت در

مراسم تدفین وی و نصب نمودن سنگ قبر بر روی قبر او تا علامتی بر آن قبر باشد و آیندگان آن را بشناسند و نسبت به صاحبش عرض ادب و احترام نمایند و خاطره او را بعنوان سرمشق زنده بدارند. و این قطعه سنگ تا دوران خلافت معاویه بن ابی سفیان در روی این قبر قرار داشت و صحابه رسول خدا و مسلمانان طبق دستور و ارشاد رسول خدا - ص - به وسیله این علامت، قبر ابن مظعون را می شناختند و مانند خود آن حضرت به زیارتش می شتافتند ولی در دوران معاویه که مروان ابن حکم امارت مدینه را به دست گرفت، دستور داد این علامت و این قطعه سنگ را از قبر عثمان بن مظعون برداشتند و در روی قبر عثمان بن عفان نصب نمودند. مروان می گفت: «والله لایکون علی قبر عثمان بن مظعون حجر یعرف به»؛ «بخدا سوگند برای من قابل قبول نیست که در قبر عثمان بن مظعون علامتی باشد و با آن شناخته شود».

و این عمل از نظر افکار عمومی آنچنان زنده و مورد اعتراض بود که افراد سرشناس از بنی امیه نیز اظهار مخالفت نمودند و به مروان گفتند: «چرا قطعه سنگی را که با دست رسول خدا نصب شده بود، بجای دیگر منتقل نمودی» ولی مروان به این اعتراضها توجهی نکرد و در پاسخ آنان گفت: عثمان فعثمان! چه فرق می کند آن عثمان یا این عثمان و گاهی چنین گفت: «اما والله اذ رمیت فلا یرد» به خدا سوگند پس از این تغییر مکان قابل برگشت نیست.<sup>۳۳</sup>

### ابراهیم از تولد تا وفات

این بود اجمالی از تاریخ زندگی عثمان بن مظعون و نکات برجسته‌ای از زهد و عبادت و مبارزه و استقامت او در برابر کفر و شرک و همچنین نکاتی درباره مرگ و مراسم تدفین و احترام و تجلیل رسول خدا - ص - از این صحابه جلیل و گریه آن بزرگوار در کنار پیکر او. و اینک اجمالی از بیوگرافی جناب فرزند رسول خدا و نکاتی از تولد و عاطفه و محبت رسول خدا - ص - نسبت به این فرزند عزیزش و چگونگی انتقال و تدفین این طفل شانزده ماهه و گریه رسول خدا و سایرین در کنار پیکر و بهنگام دفن این دُرْدانه پیامبر - ص -.

### مراسم تولد

رسول خدا - ص - در ذیقعدۀ سال ششم هجری که از جنگ حدیبیه مراجعت فرمود، نامه‌ای به وسیله یکی از اصحابش به نام حاطب بن ابی بلتعه به مقوقس پادشاه اسکندریه ارسال داشت که رسول خدا - ص - در این نامه او را به توحید و قبول اسلام فراخوانده بود. مقوقس گرچه اسلام را

نپذیرفت ولی احترام و ادب کامل را نسبت به نامه رسول خدا و بیک آن حضرت مراعات نمود و هنگام دریافت نامه گفت از این پیام عطر خیر و نیکی استشمام می‌شود و دستور داد نامه رسول خدا در میان صندوقی از عاج محفوظ بماند و به همراه پاسخ این نامه دو کنیز به نام ماریه و سیرین که هر دو خواهر و از زیبایی برخوردار بودند با هدایای دیگر به محضر رسول خدا - ص - ارسال نمود. این دو خواهر پس از ورود به مدینه طبق دعوت و هدایت شخص رسول خدا به آیین اسلام گرویدند و در تاریخ جزء زنان مؤمنه و بافضیلت شناخته می‌شوند. رسول خدا ماریه را برای خود نگهداشت و سیرین را به حسان بن ثابت شاعر معروف اهدا نمود. حسان از سیرین دارای فرزندی شد به نام عبدالرحمان که با ابراهیم فرزند پیامبر پسرخاله می‌باشند.<sup>۳۴</sup>

### انتقال ماریه به خارج از مدینه

از روزهای اول ورود ماریه به خانه رسول خدا - ص - بعضی از همسران آن حضرت به وی با چشم حسادت نگاه می‌کردند و تحمل این بانوی جوان و تازه وارد برای آنان سخت می‌نمود با ظاهر شدن اثر حمل در وی، این حالت شدیدتر و اظهار ناراحتی بیشتر گردید؛ بطوری که رسول خدا - ص - برای حفظ توازن در میان همسران و در داخل زندگیش مصلحت را در این دیدند که ماریه را علی‌رغم علاقه و محبت فوق‌العاده‌ای که به وی داشتند به خارج مدینه منتقل و از سایر همسرانش جدا سازند، از این رو ماریه در میان بستانی که متعلق به پیامبر و در میان قبیله بنی‌مازن و در نزدیکی مسجد قبا قرار داشت اسکان داده شد که این محل بعدها به نام مشربه ام ابراهیم<sup>۳۵</sup> مشهور گردید و پس از چند ماه ابراهیم در این محل متولد شد.

انتقال ماریه به خارج از مدینه را مورخان چنین نقل نموده‌اند:

«و غار نساء رسول الله، واشتد علیهن حین رزق منها الولد»؛<sup>۳۶</sup> بعضی از همسران پیامبر

نسبت به ماریه حسد ورزیدند مخصوصاً آنگاه که دارای فرزند شد.

و صاحب طبقات نقل می‌کند: «پیامبر خدا ماریه را از محیط زندگیش دور ساخت؛ زیرا تحمل

وی برای همسران آن حضرت سخت بود و آنان حسد ورزیدند اما نه مثل عایشه.<sup>۳۷</sup>

و باز در طبقات و سایر کتب تاریخ، از خود عایشه نقل شده است که رسول خدا - ص - یک روز

ابراهیم را به نزد من آورده، فرمود: «عایشه ببین این طفل چقدر به من شبیه است» گفتم هیچ

شباهتی به تو ندارد، فرمود: چقدر سفید (مانند من) و چاق است» گفتم طفلی که شیر گوسفند بخورد

چاق و سفید می‌شود.<sup>۳۸</sup>

بهرحال ابراهیم در میان قبیله بنی مازن و در محل مشربه متولد گردید و سلمی همسر ابو رافع مامایی او را به عهده گرفت و لذا اولین کسی که مژده ولادت ابراهیم را به رسول خدا رسانید ابو رافع بود و آن حضرت غلامی بعنوان مژدگانی بر وی هدیه فرمود. رسول خدا - ص - در روز هفتم ولادت ابراهیم گوسفندی عقیقه نمود و شخصی به نام ابوهند موی سر وی را تراشید و بدستور پیامبر به وزن موها نقره به مساکین داده شد. سپس در داخل خاک دفن گردید. و در همین روز پیامبر خدا این فرزند را ابراهیم نامید و فرمود: «جبرئیل بر من نازل شد و گفت: السلام عليك يا ابا ابراهیم و من هم نام جدم ابراهیم را بر وی انتخاب نمودم.»<sup>۳۹</sup>

پس از تولد ابراهیم هر یک از همسران انصار درخواست نمودند که رسول خدا وظیفه پرستاری و شیر دادن به ابراهیم را بر وی محول نماید و در این مورد به همدیگر سبقت می جستند، بالأخره این افتخار نصیب بانویی به نام امّ برده همسر ابوسیف گردید. خانه ابوسیف که شغل آهنگری داشت در همان محله بنی مازن و در نزدیکی مشربه ام ابراهیم قرار گرفته بود و ام ابراهیم را به نزد ماریه در مشربه و به حضور رسول خدا - ص - در مدینه می برد و پس از دیدار آنان به خانه اش برمی گرداند و گاهی رسول خدا شخصاً برای دیدن فرزندش به خانه امّ برده می رفت.<sup>۴۰</sup>

### محبت پیامبر نسبت به ابراهیم

انس بن مالک خدمتگزار رسول خدا - ص - می گوید: «من نسبت به فرزند مهربانتر از رسول خدا کسی را ندیده ام؛ زیرا به هنگامی که ام برده ابراهیم را پرستاری می نمود، گاهی رسول خدا - ص - با این فاصله دور، به خانه او می رفت و ابراهیم را در بغل می گرفت و او را می بوسید، سپس به دایه اش تحویل می داد و یک روز که رسول خدا - ص - باز قصد خانه امّ برده را داشت، من نیز به همراه او حرکت کردم، چون به خانه ابوسیف رسیدیم، دیدم خانه او پر از دود است. من به سرعت وارد خانه شدم و او را از ورود رسول خدا مطلع ساختم، او هم با عجله دست از کار کشید و کوره آهنگری را تعطیل نمود تا دود فضای خانه، آن حضرت را آزرده نسازد ولی رسول خدا - ص - با همین وضع وارد گردید و فرزندش را در بغل گرفت و به سینه چسبانید.

### گریه رسول خدا و ماریه در کنار بستر ابراهیم

ابراهیم در خانه امّ برده مریض شد و در روز سه شنبه یازدهم ربیع الاول سال دهم هجری که هیجده ماهه و بنا به قولی شانزده ماهه بود، از دنیا رفت. در منابع حدیثی متعدد نقل شده است: در

دقایق آخر عمر وی و آنگاه که در حال نزع بود، رسول خدا - ص - در کنار بسترش نشسته بود و در حالی که اشکش بصورتش جاری می‌گردید چنین فرمود:

«تدمع العین و یحزن القلب و لانقول الا ما یرضی الرّب و انا بك یا ابراهیم لمحزونون؛ «قلیم اندوهناک و چشمم‌گریبان است و چیزی بجز رضای حق نمی‌گویم ای ابراهیم اینک در فراق شدیداً اندوهناکیم.»<sup>۴۱</sup>

و در حدیث دیگری آمده است که آن حضرت پس از آن که فرمود: «تدمع العین...» این جمله را هم اضافه نمود: «ولو لانه وعد صادق و وعد جامع و ان الآخر لاحق بالاول لوجدنا عليك یا ابراهیم اشد من وجدنا و انابك لمحزونون؛ «اگر مرگ وعده حق و همگانی نبود و اگر قرار نبود پسینیان به پیشینیان ملحق شوند، اندوه ما در فراق، بیش از این می‌شد و در عین حال در فراق شدیداً اندوهناکیم.»<sup>۴۲</sup>

و باز در حدیث دیگری که ابی داود متن آن را نقل نموده، چنین آمده است: «ففاضت عینا رسول الله - ص - فقال له سعد ما هذا؟ قال - ص - انها رحمة وضعها الله فی قلوب من یشاء و انما یرحم الله من عباده الرحماء؛<sup>۴۳</sup> چون اشک پیامبر - ص - جاری شد، سعد عرض کرد: یا رسول‌الله این گریه چرا؟ فرمود این رحمت و عاطفه است که خداوند در دل کسانی که می‌خواهد قرار می‌دهد و خداوند از بندگان خویش بر آنها رحم می‌کند که در دلشان رحم باشد.»

عبدالرحمان بن حسان بن ثابت از مادرش سیرین نقل می‌کند که به هنگام مرگ ابراهیم من و خواهرم ماریه در کنارش بودیم با اینکه با ناله و شیون گریه می‌کردیم اما از سوی رسول خدا - ص - مخالفت به عمل نمی‌آمد ولی پس از مرگ او از شیون و فریاد کردن نهی نمود. (کَلَّمَا صَحَّتْ اَنَا وَ اَخْتِي مَا يَنْهَانَا فَلَمَّا مَاتَ نَهَانَا عَنِ الصِّيَاحِ).<sup>۴۴</sup>

### انتقال پیکر ابراهیم

پس از مرگ ابراهیم که در محله بنی مازن در خارج مدینه بوقوع پیوست، به رسول خدا - ص - عرض کردند اَیْنَ نَدْفِنُهُ؟ در کجا به خاکش بسپاریم؟ آن حضرت فرمود: «الْحَقْوَهُ بِسَلْفِنَا الصَّالِحِ عَثْمَانَ بْنِ مِظْعُونَ»<sup>۴۵</sup> طبق این دستور پیکر طفل شانزده ماهه برای خاکسپاری در بقیع به مدینه منتقل گردید.

کیفیت انتقال جسد ابراهیم را در طبقات بدینگونه نقل می‌کند: «و حمل من بیت امّ برده علی سریر صغیر»؛<sup>۴۶</sup> و از خانه امّ برده در میان تابوت کوچکی به مدینه حمل شد.

و در استیعاب نیز مشابه همین جمله را نقل نموده است: «و حمل علی سریر صغیر و صلی علیه رسول الله - ص -»<sup>۴۷</sup> ولی ابن کثیر مفسر و مورخ معروف به جزئیاتی از نقل و تشییع جنازه ابراهیم اشاره دارد، او می‌گوید: «لما توفی ابراهیم ابن رسول الله - ص - بعث علی بن ابی طالب الی امة ماریة القبطیة و هی فی مشربة فحمله علی فی سفت و حمله بین یدیه علی الفرس ثم جاء به الی رسول الله - ص -»<sup>۴۸</sup>.

بنابراین، انتقال جسد ابراهیم در میان صندوقچه‌ای چوبین (تابوت صغیر) و بوسیله امیر مؤمنان - ع - در حالی که سوار بر اسب بوده، انجام گرفته است.

### غسل پیکر ابراهیم

بنا به نقل ابن عبدالبر، پیکر ابراهیم را مرضعه و پرستارش امّ برده غسل داد.<sup>۴۹</sup> ولی مشهور این است که مراسم غسل وی به وسیله فضل بن عباس انجام گرفته است. و در این مراسم رسول خدا - ص - و عمویش عباس در گوشه‌ای نشسته بودند و چگونگی آن را نظاره می‌کردند «غسله فضل بن عباس و رسول الله و العباس جالسان»<sup>۵۰</sup>.

### گریه رسول خدا - ص - به هنگام تکفین ابراهیم

در سنن ابن ماجه از انس بن مالک نقل می‌کند چون ابراهیم از دنیا رفت رسول خدا - ص - به هنگام کفن کردن جسد وی فرمود: «بر کفن نییچید تا برای آخرین بار او را ببینم، آنگاه در کنار او نشست و روی جنازه خم شد و گریه نمود (لا تدرجوه فی اکفانه حتی انظر الیه فأتاه فأنكب علیه و بکی).<sup>۵۱</sup> این گریه رسول خدا در تاریخ ابن کثیر با توضیح جالبتری نقل شده است؛ زیرا او این جمله را نیز اضافه نموده است: «فبکی حتی اضطرب لحياه و جنباه»<sup>۵۲</sup> رسول خدا آن چنان گریه می‌نمود که چانه و شانه‌های آن حضرت از شدت گریه تکان می‌خورد.»

### تشییع جنازه

ابن کثیر در ضمن جمله‌ای به تشییع جنازه ابراهیم اشاره می‌کند و می‌گوید: «غسله و کفنه و خرج به و خرج معه الناس»<sup>۵۳</sup> این جمله نشانگر این است که پس از مراسم تغسیل و تکفین آنگاه که جسد را به سوی بقیع حرکت داده‌اند مردم نیز در پشت سر جنازه به همراه رسول خدا - ص - به حرکت درآمده و همانند خود آن حضرت در تشییع جنازه ابراهیم شرکت نموده‌اند.

### نماز رسول خدا بر ابراهیم

روایتی که در سنن ابو داود از عایشه نقل شده، می‌گوید: «رسول خدا بر جنازه ابراهیم نماز نخوانده است.»<sup>۵۴</sup> ولی مضمون روایات دیگری که خود ابوداود و سایر محدثان و مورخان و در منابع حدیثی و تاریخی آورده‌اند، این است که پیامبر اکرم - ص - بر پیکر فرزند صغیرش ابراهیم همانند اشخاص بزرگ نماز میت بجای آورده و سپس به خاک سپرده است.<sup>۵۵</sup>

در سنن ابن ماجه این حدیث چنین نقل شده است: «لما مات ابراهیم ابن رسول الله صلی علیه رسول الله و قال ان له مرضعاً فی الجنة».

در ضمن حدیثی در سنن ابی داود، محل اقامه این نماز نیز تعیین گردیده است: «لما مات ابراهیم ابن النبی - ص - صلی علیه رسول الله فی المقاعد».<sup>۵۶</sup>

ابن کثیر از مسند ابویعلی از ابن ابی اوفی نقل می‌کند که «صلی رسول الله - ص - علی ابنه وصلیت خلفه و کبر علیه اربعاً».<sup>۵۷</sup>

### کیفیت دفن

ابن کثیر می‌گوید به هنگام دفن ابراهیم امیر مؤمنان - ع - وارد قبر شد و کف قبر را آماده و جسد را دفن نمود. «فَدَخَلَ عَلَيَّ فِي قَبْرِهِ حَتَّى سَوَى عَلَيْهِ وَ دَفَنَهُ».<sup>۵۸</sup>

ولی به نقل دیگری که در طبقات و استیعاب آمده است، فضل بن عباس و اسامه بن زید با هم وارد قبر شده‌اند: «قِيلَ انَ الْفَضْلَ بْنَ عَبَّاسٍ غَسَلَ اِبْرَاهِيمَ وَ دَخَلَ فِي قَبْرِهِ هُوَ وَ اسَامَةُ بْنَ زَيْدٍ».<sup>۵۹</sup> به نظر می‌رسد هر دو مطلب درست باشد که در مرحله اول فضل بن عباس با همکاری اسامه و در مرحله آخر امیر مؤمنان شخصاً در آماده سازی قبر و دفن جسد ابراهیم اقدام نموده‌اند. و نقل ابن کثیر مؤید مطلبی است که در بعضی از منابع شیعه نقل شده که رسول خدا به امیر مؤمنان - ع - دستور داده است صورت ابراهیم را او به خاک بگذارد.

### گریه رسول خدا - ص - و مسلمانان در کنار قبر

در تاریخ ابن کثیر در ضمن بیان مراسم دفن ابراهیم از سومین گریه رسول خدا سخن به میان آمده است که در این مرحله، حزن و اندوه و گریه آن بزرگوار موجب اندوه شدید مسلمانان شرکت کننده در مراسم دفن گردیده و در کنار قبر با صدای بلند گریه نموده‌اند و آن حضرت مجدداً فرموده است: «چشمان گریان و قلبمان محزون ولی چیزی که موجب خشم خداست بر زبان نمی‌آوریم و



اینک ای ابراهیم در فراق شدیداً محزون هستیم» (بکی رسول الله و بکی المسلمون حوله حتی ارتفع الصوت ثم قال تدمع العين و يحزن القلب و لانقول ما يغضب الرب و انا عليك يا ابراهیم لمحزونون).<sup>۶۰</sup>

عبدالرحمان حسان بن ثابت هم نقل می‌کند که مادرم سیرین (خواهر ماریه) می‌گفت به هنگام دفن ابراهیم من در کنار قبر بودم و گریه می‌کردم و کسی هم از گریه من ممانعت نمی‌نمود: (و انا ابکی عنده قبره و لاینهانی احد).<sup>۶۱</sup>

### نصب سنگ و ریختن آب بر قبر ابراهیم

رسول خدا - ص - به هنگام دفن ابراهیم در میان خشتها که در داخل قبر چیده می‌شود شکافی مشاهده فرمود و شخصاً قطعه کلوخی به جفار داد که در میان آن خشتها قرار بدهد، آنگاه فرمود: «أنها لاتضر ولا ترفع ولكنها تفر عين الحی» و پس از پوشانیدن قبر در گوشه‌ای از آن، قطعه سنگی دید آن را برداشت و با دست مبارکش خاک قبر را تسطیح و هموار نمود و چنین فرمود: «اذا عمل احدکم عملاً فلیتقنه فانه مما یسلی نفس المصاب.

آنگاه دستور داد مشک آبی آوردند و بر روی قبر ریختند و سپس سنگی بعنوان علامت بر بالای قبر ابراهیم نصب نمود.

صاحب طبقات نقل می‌کند: «امر رسول الله - ص - بحجر فوضع عند قبره ورش علی قبره الماء». <sup>۶۲</sup>

در مورد ریختن آب در جای دیگر چنین نقل می‌کند: به هنگام دفن ابراهیم رسول خدا خطاب به شرکت کنندگان در این مراسم فرمود: «کسی هست یک مشک آب بیاورد؟» یکی از انصار مشک آبی حاضر نمود، آن حضرت فرمود: «بریز روی قبر ابراهیم» (قال - ص - من أحد یأتی بقبره ماء فأتی رجل من الأنصار بقبره ماء فقال رشها علی قبر ابراهیم).<sup>۶۳</sup>

صاحب استیعاب و اسدالغابه از زبیر بن بکار نقل می‌کنند که: «ورش علی قبره ماء و علم علی قبره بعلامة و هو اول قبر رش علیه الماء». <sup>۶۴</sup>

### جلوگیری رسول خدا - ص - از نفوذ بدآموزیهای فکری - عقیدتی

در همان روزی که ابراهیم از دنیا رفت اتفاقاً کسوف آفتاب هم بوقوع پیوست یک عده از افراد بی‌اطلاع این موضوع را با حادثه فوت او مرتبط دانسته و در میان خود مطرح نمودند که این کسوف به

جهت مرگ ابراهیم و در اثر این مصیبت بزرگ که متوجه رسول خدا - ص - و مسلمانان گردیده به وجود آمده است، چون این مطلب به سمع مبارک رسول خدا - ص - رسید پس از اقامه نماز آیات در میان مسجد سخنرانی نمود و این موضوع بی اساس و این فکر انحرافی و موهوم را تخطئه و مورد انتقاد قرار داد و از این طریق از نفوذ بدآموزیهای فکری عقیدتی جلوگیری فرمود و در ضمن مطالبی در این زمینه چنین اظهار داشت: «آفتاب و ماه از آیات خداوند هستند و کسوف و خسوف در آنها هم روی حساب و نظم دقیق است» هیچگاه در اثر مرگ و زندگی اشخاص ولو شخصیتهای بزرگ واقع نمی‌گردد و نباید مسلمانان این تصور باطل و این انحراف فکری را ولو در حق ابراهیم فرزند عزیز پیامبر خدا - ص - و دُرْدانه آن حضرت به خود راه دهند.

این گفتار و هدایت رسول الله با مضامین و با اسناد مختلف در منابع حدیثی و تاریخی نقل شده است. در متن یک حدیث چنین آمده است: «كسفت الشمس على عهد رسول الله يوم مات ابراهيم فقال الناس كسفت الشمس لموت ابراهيم فقال رسول الله - ص - ان الشمس والقمر لا يخسفان لموت أحد ولا لحياته ولكنهما آيتان من آيات الله فاذا رأيتموها فصلوا».<sup>۶۵</sup>

و در متن حدیث دیگری به سخنرانی عمومی آن حضرت در این مورد اشاره شده و چنین آمده است: «ثم قام فخطب الناس فإنتى على الله بما هو أهله ثم قال ان الشمس والقمر آيتان من آيات الله لا يخسفان لموت أحد ولا لحياته فاذا رأيتموها فافزعوا للصلوة».<sup>۶۶</sup>

### پی نوشتها:

- ۱ - رحلة ابن جبیر، ص ۱۴۴.
- ۲ - رحلة ابن بطوطه، ص ۱۱۹.
- ۳ - رحلة ابن جبیر، ص ۱۴۴.
- ۴ - اخبار المدینه، ص ۱۵۵.
- ۵ - التعریف بما انسته الهجرة من معالم دار الهجرة، چاپ قاهره، ص ۴۶.
- ۶ - وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۱۸.
- ۷ - توصیف مدینه به نقل فصلنامه میقات حج، شماره ۵، ص ۱۱۸.
- ۸ - سفرنامه نایب الصدر شیرازی، ص ۲۳۰.
- ۹ - مرآت الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۶.
- ۱۰ - اخبار مدینه الرسول، ص ۱۵۶.
- ۱۱ - عمدة الاخبار فی مدینه المختار، ص ۱۵۲.
- ۱۲ - فصول من تاریخ المدینه المنوره، ص ۱۶۹.
- ۱۳ - در بحث تاریخ حرم ائمه بقیع، مردود بودن این احتمال را توضیح داده‌ایم مراجعه شود.
- ۱۴ - وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۱۹.

- ۱۵ - مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۴۵۸.
- ۱۶ - طبقات ابن سعد ۳، ج ۱، ص ۲۸۶؛ اصابه، ج ۲، ص ۴۶۴؛ استیعاب، ج ۳، ص ۸۵؛ تاریخ الإسلام ذهبی، حوادث سال دوم هجرت.
- ۱۷ - تلخیص از اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۸۶؛ اصابه، ج ۲، ص ۴۶۴؛ استیعاب، ج ۳، ص ۸۷؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۹؛ فروع کافی، ج ۲، ص ۵۶، ۵۷.
- ۱۸ - و اولین کسی که از انصار در بقیع دفن شده است اسعد بن زراره می باشد.
- ۱۹ - استیعاب، ج ۳، ص ۸۷؛ اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۸۳.
- ۲۰ - من لایحضره الفقیه، ج ۱، احکام الاموات؛ فروع کافی، ج ۱، ص ۷۲ و ۷۳؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۹.
- ۲۱ - سنن ترمذی کتاب الجنائز، ج ۱، ص ۹۹۴؛ استیعاب، ج ۳، ص ۸۵.
- ۲۲ - سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۷۹؛ تاریخ المدینه ابن شبه، ج ۱، ص ۱۰۰؛ اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۸۷؛ استیعاب، ج ۳، ص ۸۵؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۹.
- ۲۳ - مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۵۵ و ۵۶؛ طبقات، ج ۳، ق ۱، ص ۲۸۸.
- ۲۴ - تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۰؛ استیعاب، ج ۳، ص ۸۵؛ اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۸۷؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۹.
- ۲۵ - همان.
- ۲۶ - همان.
- ۲۷ - استیعاب، ج ۳، ص ۸۵.
- ۲۸ - همان.
- ۲۹ - طبقات، ج ۳، ق ۱، ص ۲۸۹.
- ۳۰ - بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲.
- ۳۱ - الکامل، ج ۲، ص ۹۷ و ۹۸.
- ۳۲ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۱۴.
- ۳۳ - اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۸۷؛ تاریخ المدینه ابن زباله به نقل وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۹۴ و ۹۱۴؛ تاریخ المدینه ابن شبه، ج ۱، ص ۱۰۲؛ عمدة الاخبار، ص ۱۵۲.
- ۳۴ - طبقات ابن سعد، ج ۱، ق ۱، ص ۸۶؛ اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۸؛ البدایة و النهایه، ج ۵، ص ۳۰۷.
- ۳۵ - مشربۀ ام ابراهیم در دو کیلومتری سمت شرقی مسجد قبا واقع است. به مناسبت نماز خواندن رسول خدا - ص - در این محل تبدیل به مسجد گردیده و مورخان این مسجد را جزء مساجد اطراف مدینه معرفی نموده اند و اینک این مسجد و محوطه متعلق به آن، تخریب و به صورت گورستانی جهت ساکنین آن منطقه درآمد، با دیواری مرتفع و قفل بزرگی بر درب آهنی آن که هیچ زائری نتواند وارد این محوطه شود. این وضع را اینجانب در ذیقعدہ ۱۴۱۳ هـ مشاهده نمودم.
- ۳۶ - طبقات، ج ۱، ق ۱، ص ۶۸؛ البدایة و النهایه، ج ۵، ص ۳۰۴؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۷؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۸۶.
- ۳۷ - «ان رسول الله حجب ماریه وقد نقلت علی نساء النبی - ص - و عزن علیها و لامثل عایشه» طبقات ابن سعد، ج ۱، ق ۱، ص ۸۶.
- ۳۸ - «فقال انظری الی شبهه بی فقلت ما أرى شهباً فقال الا ترین الی بیاضه و لحمه قلت من سقی البان اضان سمن و ابیض. طبقات، ج ۱، ق ۱، ص ۸۶؛ البدایة و النهایه، ج ۵، ص ۳۰۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۷.
- ۳۹ - طبقات، ج ۱، ق ۱، ص ۸۷.
- ۴۰ - طبقات، ج ۱، ق ۱، ص ۸۷؛ استیعاب، ج ۱، ص ۴۳؛ اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۹.

- ۴۱ - این دو حدیث از منابع حدیثی در صحیح بخاری ج ۱، کتاب الجنائز، حدیث ۱۲۴۱؛ صحیح مسلم، ج ۲؛ کتاب الفضائل، ح ۲۳۱۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، کتاب الجنائز، ح ۱۵۸۹؛ سنن ابی داود، ج ۲ کتاب الجنائز، باب البكاء علی المیت، مسند احمد، ج ۳، ص ۱۹۴. و از منابع تاریخی و رجالی استیعاب، ج ۱، ص ۴۴؛ اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۹ نقل شده و در طبقات ابن سعد، ج ۱، ق ۱، ص ۸۸ و ۸۹ در طی ده روایت با مضامین متعدد نقل گردیده است.
- ۴۲ - طبقات ابن سعد، ج ۱، ق ۱، ص ۹۲؛ اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۹؛ استیعاب، ج ۱، ص ۲۴.
- ۴۳ - سنن ابی داود، کتاب الجنائز باب البكاء علی المیت.
- ۴۴ - طبقات ابن سعد، ج ۱، ق ۱، ص ۹۲؛ اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۹؛ استیعاب، ج ۱، ص ۲۴.
- ۴۵ - تاریخ المدینه ابن شبهه، ص ۱۰۰؛ استیعاب، ج ۳، ص ۸۵؛ اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۸۷؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۹.
- ۴۶ - طبقات، ج ۱، ق ۱، ص ۹۲.
- ۴۷ - استیعاب، ج ۱، ص ۴۳.
- ۴۸ - البدایة و النهایة، ج ۴۵، ص ۳۱۱.
- ۴۹ - استیعاب، ج ۱، ص ۴۳.
- ۵۰ - طبقات، ج ۱، ق ۱، ص ۹۲؛ اسدالغابه، ج ۱، ص ۴۰.
- ۵۱ - سنن ابن ماجه، کتاب الجنائز، ح ۱۴۷۵.
- ۵۲ - البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۳۱۰.
- ۵۳ - البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۳۱۱.
- ۵۴ - سنن ابی داود، ج ۲، باب الصلاة علی الطفل.
- ۵۵ - سنن ابن ماجه، ج ۱، کتاب الجنائز باب «جاء فی الصلاة علی ابن رسول الله، ح ۱۵۱۱؛ سنن ابی داود، ج ۲ کتاب الجنائز باب فی الصلاة علی الطفل، المصنف، ج ۳، ص ۵۳۲؛ طبقات ابن سعد، ج ۱، ق ۱، ص ۹؛ استیعاب، ج ۱، ص ۴۵؛ اسدالغابه، ج ۱، ص ۴۰.
- ۵۶ - از گفتار یاقوت حموی در معجم البلدان معلوم می شود که در مدینه چند محل بعنوان «مقاعد» یعنی میدان و محل نشست عمومی شناخته می شد و معروفترین آنها مقاعدی بود که در مقابل دکانهایی در نزدیکی خانه عثمان بن عفان واقع شده است.
- ۵۷ - البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۳۱۰.
- ۵۸ - البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۳۱۱.
- ۵۹ - طبقات، ج ۱، ق ۱، ص ۹۲؛ استیعاب، ج ۱، ص ۴۶.
- ۶۰ - البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۳۱۱.
- ۶۱ - طبقات، ج ۱، ق ۱، ص ۹۲.
- ۶۲ - طبقات، ج ۱، ق ۱، ص ۹۱.
- ۶۳ - طبقات، ج ۱، ق ۱، ص ۹۱.
- ۶۴ - استیعاب، ج ۱، ص ۴۶؛ اسدالغابه، ج ۱، ص ۴۰.
- ۶۵ - صحیح بخاری، ج ۱، ح ۹۹۵ و ۹۹۶؛ صحیح مسلم، ج ۲، ح ۹۱۱، ۹۱۴ و ۹۱۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ح ۱۲۶۱؛ طبقات ج ۱، ق ۱، ص ۹۲.
- ۶۶ - صحیح مسلم، ج ۲، ح ۹۰۱ موطاً مالک ج ۱، ص ۱۵۰؛ اسدالغابه ج ۱، ص ۳۹؛ استیعاب، ج ۱، ص ۳۵؛ البدایة و النهایة ج ۵، ص ۳۱۱.